

ردیف الف - باب نهم: الفت و یگانگی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۵، صفحه ۲۶ - ۳۰

ردیف الف - باب نهم: الفت و یگانگی

حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله الاحلی:

طهران عموم احبای الهی علیهم بهاء الله الاهی

هو الله

ای ثابتان بر میثاق، جناب زائر ذکر هر یک از شما را نمودند و رجای نامه‌های منفرداً فرمودند ولی این آواره صحرای محبت الله را هزاران مشاغل و شواغل مانع و حائل و مکاتیب از مشارق و مغارب چون سیل سائل و جیش صائل با وجود این بهر یک منفرداً تحریر نامه مستحیل لهذا خطاباً بکلّ این مکتوب مرقوم میگردد تا مانند رحیق مختوم قلوب را نشئه بخشد و روح را فرح و انبساط ابدال دارد.

ای یاران ثابت، فیض الهی مانند باران بهاری بعالم انسانی افاضه نموده و پرتو نور مبین روی زمین را رشک بهشت برین کرده ولی افسوس که کوران محروم و غافلان محجوب و افسردگان مأیوس و پزمردگان خممود و این فیض بی‌پایان مانند سیل روان بمصدر اصلی دریای پنهان راجع مگر نفوس قلیله نصیب میبرند و اشخاص معدوده بهره میگیرند تا چه کند قوت بازوی دوست امید است که در مستقبل خفتگان بیدار شوند و غافلان هوشیار گردند و محرومان محرم اسرار گردند حال باید یاران بدل و جان سعی بلیغ نمایند و جهد شدید مبذول دارند تا بنیان بیگانگی بر افتد و انوار وحدت انسانی یگانگی بخشد امروز اهمّ امور اتحاد و اتفاق احبای الهی است که با یکدیگر یکدل و یکجان شوند تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصبات جاهلیه ملل و مذاهب را ازاله نمایند هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمایند که کلّ بار یک دارید و برگ یک شاخسار ولی تا نفس احباً اتحاد و اتفاق کلّی نیابد چگونه توانند که احزاب سائره را با اتحاد و اتفاق بخوانند.



ORIGINAL

کی تواند که شود هستی بخش

در کائنات خارجه تفکر کنید تا عبرت حاصل شود سحاب متفرق فیض باران ندارد و در اندک مدت متلاشی شود گله پراکنده در تحت تسلط گرگ افتد طیور متفرقه بچنگال باز مبتلا شود چه برهانی اعظم از این که اتحاد و اتفاق سبب ترقی و حیات است و اختلاف و افتراق مورث ذلت و هوان و اعظم اسباب خذلان و خسران مظاهر مقدسه الهیه بجهت ظهور وحدت انسانی مبعوث شده اند و تجمل صد هزار مشقت و بلا نموده اند تا جمعی از بشر احزاب مختلفه در ظل کلمه الله مجتمع و متحد گشته وحدت عالم انسانی را در نهایت حلاوت و لطافت و ملاححت در عرصه وجود جلوه دهند پس باید یاران الهی را آرزو چنان باشد که عموم بشر را متحد و متفق نمایند تا از این صهباء ظهور و کأس مزاجها کافور نصیب موفور برند ملل مختلفه را متحد نمایند و شعوب و قبائل متقاتله را متحابه کنند اسیران نفس و هوی را آزاد نمایند و محرومان را محرم اسرار فرمایند بی نصیبانرا بهره از موهبت آیام بخشند و فاقدان را بر گنج روان هدایت کنند و این موهبت بگفتار و رفتار و کردار ملکوت اسرار ممکن است و بدون آن مستحیل. تأییدات الهیه کافل این مواهبست و فیوضات قدسیه واهب این رغائب. یاران الهی از ملکوت رحمن مؤید و بجیوش هدایت کبری موفق لهذا هر صعبی آسان شود و هر مشکلی بنهایت سهولت انجام جوید ملاحظه نمائید چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود چقدر امور سهل و آسان گردد و چقدر ترقی و علویت حاصل شود امور منتظم گردد و راحت و آسایش میسر شود خاندان محفوظ ماند مقام محفوظ شود سبب غبطه عموم گردد و روز بروز بر علویت و عزت ابدیه بیفزاید و چون این دایره اندکی اتساع یابد یعنی اهل قریه ئی بجهت و اتحاد پردازند و الفت و یگانگی خواهند و مؤانست و مهربانی کنند چه قدر ترقی نمایند و چگونه محفوظ و مصون گردند پس این دایره را اندکی واسع تر نمائیم یعنی اهل مدینه ئی بتماما اگر روابط اتحاد و اتفاق را محکم سازند در اندک زمانی چقدر ترقی نمایند و بچه قدرت و قوتی تجلی فرمایند و چون دایره اتحاد بیشتر اتساع یابد یعنی اهل اقلیمی قلب سلیم یابند و بصمیم دل و جان اتحاد و اتفاق جویند و با یکدیگر مهربان گردند آن اقلیم سعادت ابدیه یابد و عزت سرمدیه جوید و ثروت کلیه رسد و راحت و نعمت موفوره یابد حال ملاحظه نمائید که اگر جمهور طوائف و احزاب و قبائل و تمام دول و ملل و جمیع اقلیم عالم در ظل خیمه یکرنگ وحدت عالم انسانی آید و باشراقات شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند جمیع ملل و مذاهب دست در آغوش یکدیگر کنند و انجمن عمومی تأسیس نمایند و افراد بشر را با یکدیگر نهایت ارتباط بخشند آنوقت چگونه خواهد شد شبهه ای نیست که دلبر رحمانی با جنود مواهب عالم انسانی و تأییدات ربّانی در نهایت صباحت و ملاححت در انجمن عالم جلوه نماید پس ای یاران الهی، تا توانید بر اتحاد و اتفاق با یکدیگر کوشید زیرا کل قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر و لثالی یک صدف و گل و ریاحین یک ریاض پس از آن در تألیف قلوب سائر ادیان بیکدیگر جانفشانی نمائید و با هر فردی از افراد انسانی نهایت مهربانی کنید نفسی را بیگانه نخوانید و شخصی را بدخواه مشمرید چنان رفتار نمائید که جمیع خلق خویش و پیوندند و آشنا و ارجمند چنان سلوک نمائید که این جهان فانی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود این است وصیت عبدالبهاء این است نصیحت این عبد بینوا

و علیکم البهاء الابهی ع ع انتهى.